

چاره ی کارگران
وحدت
و
تشکیلات
است!

همبستگی کارگری



کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

سر مقاله:

سر مقاله:

پیش به سوی سازماندهی کارگران ساختمان:

اتحادیه و سندیکا از تشکل های پایه ای برای کارگران هستند و از بدو شروع مبارزات طبقاتی کارگران از ابزارهای طبقاتی برای پیشبرد منافع شان بوده اند. و امروز سرمایه داری در بعد جهانی به آن جا رسیده است که با سود جستن از ابزارهای قدرت ضمن تحکیم سندیکا و اتحادیه های کارفرمایان از سه طریق اقدام به نابودی اتحادیه و سندیکای کارگران کرده است. که عبارتند از:

- ۱- نابودی و جلوگیری از تشکیل شدن اتحادیه یا سندیکای کارگری
- ۲- نفوذ در اتحادیه و سندیکای کارگران برای ایجاد تفرقه یا وابسته کردن آنها
- ۳- ایجاد و تحمیل اتحادیه یا سندیکاهای وابسته

سرمایه داری بسته به شرایط کشورهای جهان در هر کدام از آنها به یکی از سه روش و در بیشتر آنها به هر سه روش هم زمان متوسل می شود. حاکمیت ایران در دهه ۶۰ پس از سرکوب تشکل های تازه تاسیس شده کارگران (شوراهای کنترل کارگری) مهره های نفوذی و گزینش شده خود را در شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر متشکل کرد. و این تشکیلات دست ساز و ابزار کارفرمایان را به طبقه کارگر، تحت عنوان تشکل کارگری تحمیل کرده، سپس اتحادیه و سندیکاهایی کارگری که از دهه های قبل در میان توده های کارگر ریشه دواندودو می رفتند تا جان تازه ای بگیرند شروع به سرکوب و جایگزین تشکیلات خانه کارگر کرده و بیشتر آنها را منحل و برخی را با جلوگیری از فعالیت، موجودیتشان را به بوته فراموشی کشاند. و به مدد پروژه سرکوب طبقه کارگر و نابود کردن ابزارهای طبقاتی و تحمیل تشکیلات سرمایه داری تحت عنوان تشکل کارگری وضعیت جنبش کارگری را به این جا رسانده است. حال برای پیشبرد جنبش کارگری رو به رشد و به دست آوردن مطالبات فزاینده و روزمره خود هیچ تشکلی نداشته و هر چه تلاش می کنیم که تشکلات واقعی و غیروابسته خود را ایجاد کنیم، با کوهی از موانع و مخالفت و سرکوب روبرو می شویم.

ادامه در صفحه ۲

شماره اول - آبان ۸۷

در این شماره:

پیش به سوی سازماندهی کارگران ساختمانی؛

چگونه برای دفاع از منافع اقتصادی خود تشکل اتحادیه ای بسازیم؛

ایجاد تشکلهای کارگری؛ راه مبارزه در برابر کارفرمایان؛

راه رهایی؛

کارگران نیشکر هفت تپه !!!

نشریه همبستگی کارگری، بازگشایی سندیکایتان را به شما و تمامی کارگران تبریک می گوید.

کارگران، مردم آزاده !!!

از مبارزات روز افزون و دلیرانه کارگران، بخصوص لاستیک البرز، نیشکر هفت تپه، ایران خودرو و... از هر طریق ممکن حمایت کنید.

کارگران؛ با تشکیل اتحادیه و سندیکاهای خود، سنگری در مقابل بهره کشی و استبداد سرمایه داران به پا کنیم.

ادامه ی سرمقاله:

بیش از شش سال است که جنبش کارگری هر بار که در کارخانه یا بخشی از مجامع کارگری اقدام به ایجاد سندیکا یا اتحادیه کرده، هر بار با شدت بیشتری به دیوار سرکوب برخورد کرده است. برای اثبات این گفته کافی است که پیامدهای عروج مبارزات اخیر سندیکای کارگران شرکت واحد، نقاشان و کارگران هفت تپه را مطالعه کنیم، خواهیم دید که سرمایه داری و دولت اسلامی سرمایه داران با چه جد و جهدی کوشش می کنند تا هر روزنه ای را در مقابل ساخته شدن تشکلهای کارگری بسته و ایجاد سندیکا و اتحادیه های کارگری را غیرممکن کنند و پروژه سرکوب را با سود بردن از مکانیزم های زیر عملی می کنند:

- ۱- سرکوب مستقیم فعالین کارگری که اقدام به ایجاد اتحادیه یا سندیکا می کند.
- ۲- سرکوب و ترساندن کارگران به طور غیرمستقیم نسبت به فعالیت اتحادیه ای و سندیکایی.
- ۳- تشویق به علنی گرایی فعالین و کارگران و تحمیل شرایط وابستگی به آنها.
- ۴- تخریب و لوس کردن افکار و اندیشه فعالیت غیر علنی اتحادیه و سندیکاها.
- ۵- و....

دولت جمهوری اسلامی و اتحادیه و سندیکاها کارفرمایان می دانند شرایط در عمق و ژرفای ستیز طبقاتی چنان در غلیان است که اگر روزنه ای باز بگذارند، صدها و هزارها تشکل کارگری با رویکرد اتحادیه و سندیکاهای سرخ بر تمامی نقاط این کشور ساخته شده و رشد خواهند کرد. و هم چنین بدون شک، وضعیت مبارزه طبقاتی آن قدر رادیکالیزه شده است که آمادگی ساخته شدن شوراهای کارگری نیز وجود دارد. به همین دلیل سرمایه داران (کارفرمایان) و دولتشان با تمامی قدرت ایستاده و مانع تشکیل و رشد اتحادیه و سندیکاها شده است.

با توجه به این وضعیت چه باید کرد؟

ما کارگران ساختمانی می گوئیم با توجه به این که کارگران شرکتها و کارخانه های بزرگ و کوچک در چنین شرایطی امکان ایجاد اتحادیه یا سندیکای خود را نداشته و شرایط کار

آنها نیز به صورتی است که اخراج و دستگیری و زندانی کردن (به دلیل این که محل کار ثابتی دارند) آنان بسیار سهل و آسان است. اما شرایط کارگران ساختمانی از این لحاظ ضربه پذیری کمتری دارد. هر چند که خود این وضعیت (یعنی پراکندگی و عدم تمرکز) کارگران ساختمانی برای متشکل شدن یک معضل است. اما در شرایط فعلی کارگران ساختمانی می توانند با تشکیل و پیوستن به اتحادیه کارگران ساختمان با رویکرد غیر علنی در مقابل سرکوب ایستادگی کرده و راه را برای قشرها، لایه ها و کارگران مجامع دیگر باز کنند. (برای درک بهتر این نظر به بافت فعالین کارگری توجه کنید)

باز تاکید لازم است که سرنوشت سندیکای نقاشان که بخشی از کارگران ساختمانی هستند دقیقاً نشان می دهد که کارگران ساختمانی نیز با توجه به حسن اوضاع فعلی شان نسبت به کارگران متمرکز در مراکز صنعتی مستقیماً در معرض سرکوب های مختلف قرار داشته و تنها آن چه که می ماند اتحادیه یا سندیکای غیر علنی است. تا از این طریق ضمن عبور دادن تشکیلات از مقابل تیغ سرکوب مرزها و موانع متشکل شدن را یکی پس از دیگری شکسته و مسیر را برای متشکل شدن باز کنند.

ما در وضعیت فعلی، ساختن اتحادیه و سندیکای سرخ را به صورت غیر علنی به تمامی کارگران در صنف و مراکز صنعتی پیشنهاد می کنیم و باور داریم که می توانیم با استفاده از تجارب بسیار غنی اتحادیه و سندیکاهای سرخ جهانی و هم چنین با استفاده از تجارب سندیکای کارگران راه آهن ایران و سود جستن از تجارب اتحادیه و سندیکاهای سرخ موجود در امریکای لاتین که غیر علنی بوده و هستند، می توانیم اتحادیه و سندیکاهای قدرتمندی ساخته و با استفاده از آنها از این مرحله که هر روزنه ای برای ایجاد تشکلهای کارگری بسته شده است، عبور کرده و دیوار سرکوب را فرو بریزیم. این نیاز به مبارزه و فداکاری و از جان گذشتگی صادقانه ای دارد که در طول تاریخ مبارزات طبقه کارگر بارها و بارها اثبات شده است که در درون طبقه کارگر زنان و مردان مبارز بسیاری وجود داشته و دارد. تا قافله جنبش کارگری راز تند

پیچ های ستیز و نبرد طبقاتی عبور داده و تشکلهای کارگری را توده گیر کرده و خواهند کرد. ما باور داریم این بار نیز با دوری از قاعده بازی علنی گرایی که سرمایه داری به ما تحمیل می کند، عبور کرده و با متشکل شدن غیر علنی، می توانیم تمامی مسیرهای مسدود شده را باز کنیم.

در این راستا از تمامی کارگران و فعالین کارگری در بخش ساختمان دعوت می کنیم که با پیوستن به مبارزه جدی با تشکیل اتحادیه کارگران ساختمان راه را برای به دست آوردن مطالبات خود و شکستن مانع و سدهای سرراه تشکل یابی بگشاییم.

ما برای شکستن جو سرکوب و توده گیر شدن اتحادیه و سندیکای سرخ، سازماندهی غیر علنی را توصیه کرده و دست تمامی کارگران مبارز و فعالین پیشرو را می فشاریم.

گفتند به سنگ:

فرموده اند از تو بتی درست

کنیم،

سنگ فریاد برآورد!

فریب مردم تا کی؟

از من پله ای کوچک بسازید تا

کودک کارگری از آن

به سوی مدرسه برود!

چگونه برای دفاع از منافع اقتصادی خود شکل اتحادیه ای بسازیم؟

نیروهای کارگری و یا کانون هایی برای آموزش عنصر طبقاتی می دانست. اومعتقد بود سازمان های سیاسی و اقتصادی کارگران يك هدف را دنبال می کنند: آزادی اقتصادی کارگران، اما هریك به شیوه خود. مارکس و همکار همیشگی او، انگلس، اتحادیه ها را مدرسه همبستگی و مدرسه انقلاب می دانستند.

اتحادیه به عنوان متحد کننده طبقه کارگر و به مثابه ارگانی که وسیعترین توده های کارگر را در خود متشکل می سازد، با سازمان سیاسی کارگران که در برگیرنده آگاهترین و پیشروترین عناصر طبقه کارگر است، دارای اهدافی واحد بوده و در واقع پایگاه مردمی آن سازمان سیاسی می باشد. مارکس در قطعنامه اول کنگره بین الملل اول در ژنو می نویسد:

در جنبش اقتصادی کارگران، اتحادیه ها به مثابه مراکز تجمع کارگران همان نقشی را در انقلاب اجتماعی بازی خواهند کرد که انجمن های شهر و کمونها در قرون وسطی و در انقلاب سرمایه داری برای سرمایه داران بازی کردند.

هرچند که اتحادیه های کارگری نقش های چند جانبه ای را ایفا می کنند یعنی: اتحادیه به عنوان ابزار مبارزه اقتصادی، اتحادیه به عنوان ابزار مبارزه برای دموکراسی علیه دولت و بهره کشان، اتحادیه به عنوان محل تجمع و کسب آگاهی طبقاتی برای رسیدن به سوسیالیسم. اما مهمترین جنبه قدرت و عظمت اتحادیه های کارگری، سازماندهی گسترده و عمومی همه لایه های کارگری از طریق خواسته های هم اکنون موجود عاجل و عمومی صرف نظر از جنسیت، مذهب و ملیت می باشد. قدرتی که از دل مبارزات حال راهی به آینده جنبش کارگری می یابد.

فشار اقتصادی و سختی زندگی کارگران را به مبارزه از جمله اعتصاب اجتناب نا پذیر می کشاند.

قاعدتا هر حرکتی وقتی به وجود می آید سازماندهی مناسب و موضعی خود را نیز به همراه دارد اما غالبا پس از پایان حرکت این تشکل ها نیز خود به خود منحل یا متلاشی شده و جایگزین نیز نمی شوند. این در حالی است که کارگران دائما با تجاوزات رژیم سرمایه داری روبرو هستند و هم از اینرو نیاز به تشکل یابی باید از

مناسبات تولیدی، شرایط کاملا جداگانه ای با سایر طبقات دارد. طبقه ی کارگر نقش طبقاتی خود را، تنها بوسیله نهادها و تشکل های طبقاتی خود میتواند به انجام رساند.

اتحادیه يك نهاد طبقاتی و دسته جمعی است که کارگران هویت صنفی - اقتصادی خود را از این طریق بیان می کنند و در مقابل نیروهای سرمایه داری به صف آرای نیروی خود دست می زنند. کارگران خارج از تشکل ها و نهاد های خود، پراکنده و دنباله رو و فاقد ابزار آگاهی و اقدام عملی هستند.

کارگران از طریق گرد آمدن در تشکلهای خود و ایجاد وحدت در صفوف خویش می توانند شرایط را به نفع خود تغییر دهند. چرا که سرمایه داران با سود جستن از ارتش ذخیره کارگران بیکار و ایجاد تفرقه و رقابت در بین آنان و سرکوبشان در تلاش مداوم برای افزایش بهره کشی کارگران می باشند. طبیعی است که در مقابل یکی از اهداف اصلی اتحادیه های کارگری، حذف رقابت و ایجاد وحدت و همدلی بین کارگران است.

اتحادیه يك نهاد طبقاتی و دسته جمعی است که کارگران هویت صنفی - اقتصادی خود را از این طریق بیان می کنند و در مقابل نیروهای سرمایه داری به صف آرای نیروی خود دست می زنند. کارگران خارج از تشکل ها و نهاد های خود، پراکنده و دنباله رو و فاقد ابزار آگاهی و اقدام عملی هستند.

گامی که کارگران از طریق اتحادیه بر می دارند، همانطور که مارکس می گوید، مقدمه حذف رقابت از درون جامعه است. اتحادیه علاوه بر ابزار مبارزه اقتصادی، عامل آگاهی و وحدت طبقه کارگر است.

مارکس رهبر بزرگ کارگران سازمان های اتحادیه ای را بمتابه مراکز تجمع

الف - ضرورت تشکل اتحادیه ای:

نظام سرمایه داری ایران همسو با سرمایه داران جهانی در جهت تشدید بهره کشی کارگران هجوم گسترده ای به تمام دستاورد های در عرصه آزادی تشکل و همه حقوق و مزایایی اقتصادی - سیاسی شروع کرده است. مهمترین نشانه های این هجوم از بین بردن امکانات کار و ایجاد بیکاری گسترده، از بین بردن امنیت شغلی از طریق نابودی استخدام های دائم و ترویج قراردادهای موقت، پایین آوردن سطح دستمزد ها در حد نازل و گرسنگی و دامن زدن به پراکندگی و تفرقه بین کارگران از طریق ایجاد دوستگی های پوچ مذهبی و قومی، ایجاد رقابت گرگ منشانه بین کارگران برای ربودن لقمه نان از دهان یکدیگر و وادار کردن مردم به دوندگی تمام وقت برای رفع معیشت زندگی و ...

تمام اینها طرحهای برنامه ریزی شده سرمایه داران برای جلوگیری از تشکل و سازمانیابی طبقه کارگر به عنوان مولد ثروت جامعه می باشد. تاریخ ۲۰۰ ساله مبارزه کارگران علیه طبقه سرمایه دار، نشانگر دو شیوه عمده مبارزاتی برای این طبقه می باشد:

مبارزه اقتصادی که شامل مبارزه برای فروش بهتر نیروی کار خود و ایجاد شرایط رفاهی بهتر در جهان مسلط سرمایه داری بوده و مبارزه سیاسی که شامل مبارزه برای رسیدن به حقوق سیاسی - اجتماعی خود که مستلزم نابودی نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه ای عاری از طبقه و بهره کشی فرد از فرد می باشد.

مهمترین شکل مبارزه اقتصادی از طریق اتحادیه های کارگری بر اساس مبارزات صنفی - اقتصادی کارگران می باشد. فعالیت این اتحادیه ها از يك صنف و منطقه شروع شده و به سراسر کشور و جهان ارتقا می یابد.

طبقه کارگر به لحاظ موقعیت خود در تولید ثروت های جامعه به عنوان عالی ترین و اصلیتترین عامل تولید و

نیازهای موردی آن فراتر رفته و تبدیل به یک نیاز مستقل و پایدار شود و فقط و فقط از این طریق است که می توان نیروی عظیم کارگران را علیه سرمایه داری سازمان داده و آنرا وادار به عقب نشینی کرد. در عین حال از دستاورد های مبارزات حراست کرده و سرانجام در جهت اهداف سیاسی به پیش رفت.

ب) اتحادیه های واقعی در اوضاع دیکتاتوری:

در شرایط حاکم شدن فضای سرکوب و شیوه های زندان و ترور در جامعه و در شرایطی که برتری با دشمن بوده و کارگران از ابتدایی ترین تشکل ها برای دفاع از حقوق صنفی و اقتصادی خود محروم هستند و در شرایطی که رژیم های فاشیستی در ترس از آینده خود شمشیر را از رو بسته اند، ادامه حیات تشکلهای کارگری و یا ایجاد آنها نمی تواند علنی باشد. چرا که به علت عدم قدرت یکپارچه کارگران و سازمان یافتگی دشمن، علنی کردن تمام تشکلهای کارگری در حکم بدون حفاظ ایستادن در زمین باز دشمن است. البته باید به یاد داشت که هر چند در شرایط کنونی خصلت عمده تشکلهای مخفی بودن آن می باشد اما این مسئله نباید خصلت اساسی سندیکا را که همانا توده ای و فراگیر بودن آن است، محدود کند. گرچه تا حدودی آنرا مقید و مشروط می سازد، چرا که اولاً مبارزه کارگر خود مبارزه ایست علنی و با شعارهای مشخص علیه سرمایه داران مشخص و از این جهت این مبارزه مخفی نمی باشد. زیرا که فقط از طریق بسیج گسترده است که می توان این نیرو به میدان آورده و دشمن را به عقب راند. به معنای کلی این شکل سازماندهی است که مخفی می باشد و نه خود جریان حرکت.

ثانیاً باید دقت کرد که مخفی بودن به معنی عقب نشینی یک طرف و پیشروی طرف دیگر است. کارگران نباید عقب نشینی مطلق را بپذیرند. باید از تشکلهای علنی و مستقل که مناسبترین وسیله تماس با توده های کارگران است استفاده کنند. تشکل هایی مثل صندوقهای همیاری کارگری، تعاونیها و ... که موجودند و یا می توان علناً آنها را ایجاد کرد.

در شرایط سرکوب عموماً یک قانون کلی بر مبارزه کارگران حاکم است و آن اینکه به طور کلی هرچه از سطح

خواستهای آنها و تشکلهای صنفی - اقتصادی به طرف وجه سیاسی آن گام برداریم و نیز هرچه کفه ترازوی قدرت به نفع دشمن سنگینی کند به همان اندازه نسبت تشکل و مبارزه مخفی به مبارزه علنی بیشتر می شود. البته این درک غلطی است که مبارزه یا باید کاملاً علنی بوده و یا کاملاً مخفی. در شرایط کنونی، در سطوح تشکلهای اصلی مثل اتحادیه و سندیکا و یا تشکلهای توده ای محلات، عموماً و بویژه در سطح رهبری مخفی بوده، اما باید بر حسب شرایط زمانی و مکانی مختلف و با تحلیل اوضاع، تلفیقی از وجه علنی و مخفی را به کار برد. مثلاً ایجاد سندیکای کارگری در کارخانه نیشکر هفت تپه با ایران خودرو فرق اساسی دارد.

ج) چند مسئله مهم درباره اتحادیه های مخفی:

اوضاع دشوار کنونی به این دلیل است که ایجاد سندیکاهای کارگری باید در بدترین شرایط و زیر سرکوب و به صورت زیر زمینی انجام شود. این در حالی است که کارگران تجربه تشکلهای علنی را ندارند و نیز حساسیت و بی اعتمادی کارگران به تشکلهای دولتی و فرمایشی (از قبیل شوراهای اسلامی کار، انجمن های صنفی و ...) دشواری کار را دو چندان می کند.

مبارزات رو به گسترش کارگران در اوج سرکوب خشن و بیرحمانه مهمترین زمینه ایجاد اتحادیه های مخفی می باشد.

کارگران غالباً در جریان مبارزه و اعتصاب به درجاتی شیوه رهبری پنهان را به کار می برند. با وجود آمدن هر حرکتی غالباً عناصری از کارگران رهبری آن را به عهده می گیرند. متعاقباً کارگران پی می برند پس از هر اعتصاب موفق یا ناموفق رژیم در صدد شناسایی، دستگیری یا اخراج رهبران است. بنابراین به اهمیت مخفی ماندن رهبریت از دیدگان دشمن پی می برند.

اگر مبارزه کارگران گسترده است و اگر سرکوب گسترده، اخراج و دستگیری وجود دارد، پس این منطق مبارزه است که کارگران ضرورت مبارزه مخفی را بیاموزند. اما معمولاً با پایان یافتن هر حرکت تشکلهای مربوط به آن نیز خود به خود منحل می شوند. در حالیکه کارگران باید

بیاموزند که تداوم تشکلهای برای تضمین پیشروی و دفاع از منافع کارگران از آب و نان هم واجبتر است.

بنابراین لزوم تداوم تشکل و تداوم رهبری مستلزم آن است که هر دو تا اندازه ای که لازم است اصول مخفی کاری را رعایت کرده و از دید دشمن پنهان بمانند.

**متعاقباً کارگران پی می برند
پس از هر اعتصاب موفق یا
ناموفق رژیم در صدد
شناسایی، دستگیری یا اخراج
رهبران است. بنابراین به
اهمیت مخفی ماندن رهبریت
از دیدگان دشمن پی می برند.**

عملکرد مخفی بودن اصولاً باید در نحوه رابطه رهبری و بدنه تشکل منعکس شود. در یک اتحادیه علنی این رابطه خود را در برگزاری انتخابات آزاد و تشکیل مجامع علنی و عضوگیری، دعوت به اعتصاب و ... نشان می دهد. این در حالیست که جوهر مناسبات در سندیکا و اتحادیه مخفی به همان اندازه که فن مخفی کاری را الزام آور می سازد، مبتنی بر یک دموکراسی رفیقانه و دوستانه از یک سو و پذیرش یک قدرت معنوی و شایسته رهبری از سوی دیگر است. الزامات بقا و مبارزه مشترک برای زندگی خود بهترین زمینه برای بوجود آمدن این روحیه و مناسبات رفیقانه است. در کشاکش همین مبارزات است که کارگران رهبران فداکار و شایسته خود را شناخته و به اعتماد می کنند.

منطق مبارزه در شرایط سرکوب و قدرت دشمن فضای مناسبی را برای تلفیق کار علنی و مخفی بوجود می آورد. برای تداوم مبارزه و حفظ رهبری و راس هرم از چشم دشمن و در ضمن داشتن بدنه توده ای گسترده، لازم است که در میان توده های کارگری مرتبط با اتحادیه دو سطح از رابطه برقرار شود. در شرایط خاص مانند مذاکره با دشمن در اعتصابات که به طور طبیعی پیش خواهد آمد، رهبریت باید از علنی کردن کامل خود خودداری کند.

د) هسته های سازنده اتحادیه و سندیکا:

در کشورهایی که کارگران آشکارا از تشکل های کارگری برخوردارند و دارای انسجام لازم می باشند، زمانیکه وارد شرایط دیکتاتوری شده و سرکوب شوند، کارگران از لحاظ تجربه، کادر و آگاهی توان لازم را برای تامین نهادهای مخفی در سطح گسترده دارا می باشند. مثلا سندیکاهای کارگری در فرانسه به دنبال اشغال آن کشور توسط آلمان فاشیستی در آخرین جلسه علنی خود از طریق مجمع عمومی رای به مخفی شدن و فعالیت مخفی دادند.

اما در کشور ما، همان طور که گفته شد، سازماندهی اتحادیه ها باید در بدترین شرایط سرکوب و زیر زمینی پیش برده شود. برای این کار باید نطفه و جنین این تشکلهای را بوجود آورد که دست مایه آنرا وجود مبارزه قوی کارگران ارئه می دهد:

شکلگیری محافلی از کارگران که در هر اعتصاب و حرکت و مبارزه کارگری برای هدایت مخفیانه آنها بوجود می آید و همچنین وجود کارگران پیشرویی که در مبارزه کارگری خود را نشان داده و مورد اعتماد کارگران قرار می گیرن، پایه و نقطه شروع هسته های کارگری در کارخانجات و صنوف و معادن و همه بخشهای کارگری میباشد. از آنجا که عملکرد اتحادیه مخفی متکی بر یک قدرت دوستانه و رفیقانه است که در جریان مبارزه ی مشترک حاصل می شود، از این لحاظ هسته های موسس اتحادیه برای ارتقا به سطح یک اتحادیه مخفی و واقعی باید شایستگی خود را برای عموم کارگران در حین مبارزه صنفی اقتصادی به اثبات برسانند. فرق اساسی این هسته ها با محافل خود به خودی این است که این ها دیگر تصادفی و گذرا نیستند. آنها با داشتن چشم انداز تبدیل به اتحادیه در مقابل خویش، تجسمی از عنصر تشکل پایدار و مستقل کارگران هستند. چنین هسته هایی در میان تمامی بخش کارگری، در تمام شرایط، چه در اوج حرکات اعتراضی کارگران و چه پس فروکش کردن مقاومت باید چشم انداز خود را در نظر داشته باشند. چشم انداز از تبدیل شدن به یک اتحادیه و سندیکا و واحد تولیدی و سپس در منطقه و یا به اتفاق رشته های تولید،

معادن، ساختمان مشابه خود و سرانجام اتحادیه سراسری کارگران.

آنها همچنین به همراه تلاش برای هدایت و سازماندهی مبارزات روزمره و درخواستی کارگران، همواره باید ضرورت تشکیل اتحادیه و لزوم تشکل و اتحاد را به کارگران تبلیغ و ترویج کنند. آنچه این هسته ها را از خود اتحادیه متمایز می کند، درجه قدرت و حمایت توده ای آن است. اگر این هسته ها بتوانند نیروی نسبی و سازمانگرانه بیابند، در آن صورت اتحادیه ی مخفی بوجود آمده است. بویژه اگر پیشروان واقعی و با نفوذی، در جریان مبارزات کارگری و یا در حالت عادی به این هسته ها جذب شوند، جریان تبدیل این هسته ها به اتحادیه زودتر صورت خواهد پذیرفت. نیروهای پیشرو و آگاه کارگری باید در ایفای نقش حیاتی خود در تشکیل اتحادیه چند مسئله را رعایت کنند:

۱ - مرز بین تشکلهای صنفی-اقتصادی را با تشکلهای سیاسی رعایت کنند. درز این رابطه، اساس سازماندهی و رهبری این تشکلهای است و نه جایگزین کردن فکر و عمل خود به جای این تشکلهای.

۲ - این تشکلهای عموما بر اساس خواستههای اقتصادی و فوری و بیواسطه کارگران در جریان مبارزه آنان بوجود می آید که برای تمام کارگران جنبه ملموس و مادی و روزمره دارند. غیر از این، تشکلهای پایه ای یا بوجود نمی آیند و یا گسترده نخواهند شد.

۳ - در شرایط سرکوب و دیکتاتوری فقط از طریق تلفیق مبارزات علنی و مخفی است که کارگران امکان بسیج برای دفاع از منافع خود را می یابند. در این رابطه اگر هدف، تشکیل اتحادیه یا سندیکا در درون يك کارخانه و یا صنف مشخصی باشد، باید هسته های مخفی در همان محیط و در وهله اول خود را از طریق خواستههای جاری کارگران و تشکلهای علنی مثل صندوق های همیاری و تعاونی ها و... با بدنه توده ای در حد گسترده مرتبط کنند و با شناخت دقیق و گردآوری تمام امکانات، اتحادیه و سندیکایی مخفی را شکل دهند.

۴ - کارگران پیشرو باید دقت کنند که در کشور ما بین مبارزه اقتصادی و سیاسی، به این علت که دولت با در اختیار داشتن اهرم نفت و تمامی

امکانات تولید و معادن و ساختمان بزرگترین سرمایه دار می باشد، ارتباط نزدیکی وجود دارد و هرگونه مطالبه جزئی اقتصادی با منافع دولت برخورد می کند. از طرفی چون مرکز ثقل مبارزه، خواستههای اقتصادی می باشد، بنابراین نقش تشکلهای صنفی - اقتصادی کارگران بسیار حیاتی و مهم می باشند. به عبارت دیگر سازماندهی خواسته ها و تشکلهای صنفی و اقتصادی باعث ارتقا سریع خواسته های کارگران تا حد مطالبات وسیع سیاسی می باشد.

کارگران مبارز ایران خودرو!!!

در پی مبارزات پیروزمند خود توانسته اید افزایش حقوق تعدادی از همزمان خودرابدست آورید. ما ضمن تبریک این پیروزی امید داریم هرچه زودتر در پی مبارزات آگاهانه خود بتوانید برای تمامی کارگران آن کارخانه ضمن افزایش حقوق، مطالبات دیگر را نیز بدست آورید.

لازم به ذکر است که زمینه اعتراض در صنعت خودروسازی بخصوص ایران خودرو بشدت انباشته که هرلحظه به وقوع خواهد پیوست، ومدیریت آن خود را برای مقابله با اعتراضات آماده می کند، از طرفی بحران اقتصادی جهانی که تأثیرات خود را در ایران خواهد گذاشت بشدت اعتراضات را افزایش خواهد داد.

بنابراین لازم است کارگران پیشرو و انقلابی ایران خودرو، خود و تمامی کارگران را برای یک مبارزه جدی آماده کنندوبه همین منظور بر قراری ارتباط تنگاتنگ با دیگر خودرو سازان نیاز اولیه مبارزه پیروزمند است.

گرانجانی در این ظلمت سرای بیکران تاکی؟

زبیم جان توسل بر گروهی ناتوان تا کی ؟

به جان آمد دلم از این همه آهسته گویها

خروشی بی امان خواهم، سکوت جاودان تاکی؟

راه مبارزه در برابر کارفرمایان ایجاد

تشکلهای کارگری است؛

برای هر کارگری بارها اتفاق افتاده است که در محیط کار خود متوجه ضایع شدن حق خود یا همکاری خود، اما خود را ناتوان تر از آن ببیند که در مقابل لب به سخن گشوده و اعتراضی بکند. مثلا اگر کارفرما به یک کارگر فحاشی کند یا از دادن اضافه کاری او خودداری کند، کارگر هم از آنجایی که می داند اعتراض او ممکن است به اخراج یا کم کردن حقوقش منجر شود، پس سکوت اختیار می کند. از این نمونه ها در بسیاری از عرصه های جامعه می توان مثال آورد که مردم خود را مردم خود را مجبور به سکوت و عدم اعتراض می بینند. اما سوال این است که آیا هیچ راه حلی وجود ندارد و تا ابد باید به این نکبت سکوت و سرسپردگی تن داد؟

مسئله این گونه نیست. راه حل هم بسیار ساده است و در طول تاریخ هم همواره نتیجه مثبت داشته است. اتحاد و ایجاد یک سازمان و تشکل که در آن گروه به نمایندگی از یک جمع عظیم، شعاری را دنبال می کنند، یک پیشنهاد عملی و کم هزینه برای همه است. زمانی که سخن از سازمان می شود، دیگر پای یک فرد خاص در میان نیست که از عواقب اعتراض خود نگران باشد. بلکه یک سازمان به عنوان نماینده یک جمعیت زیاد از اعضا و هوادارانش درگیر خواهد شد که مسلما توان مبارزاتی و چانه زنی بسیار بالایی دارد. این موضوع دقیقا مصداق همان مثال "یک دست صدا ندارد" می باشد. یعنی باید دستهایمان را در هم گره کنیم و به مبارزه جمعی روی آوریم.

هم اکنون شاهدیم که طبقه کارفرمایان و صاحبان تولید، از انواع و اقسام اتحادیه ها و انجمن های صنفی مربوط به خود برخوردارند و هر زمان که کوچکترین خطری منافع اقتصادیشان را تهدید کند (به عنوان مثال افزایش دستمزد کارگران یا نومه اخیر که تعیین مالیات بر ارزش افزوده بود) به طور یکپارچه به آن واکنش نشان می دهند. ما کارگران ساختمان نیز به عنوان بخشی از طبقه کارگر باید به این آگاهی دست یابیم که در مقابل طبقه سرمایه دار باید از سازمانها و تشکلهای مستقل کارگری خودمان برخوردار باشیم. "اگر پاسداری از منافع سرمایه داران یک طرفه انجام شود، یعنی آنها داری ارگانهای مدافع منافع خود باشند، ولی به دلایل سیاسی و اجتماعی، کارگران متحد و متشکل نباشند، طبیعا در برابر تهدیدهای اقتصادی و بی سروسامانی وضع کار و اخراج های بی رویه بی دفاع خواهند ماند.

کارگران باید در صنف و حرفه با تشکیل اتحادیه یا سندیکا های کارگری، نسبت به متحد و متشکل کردن خود در برابر کارفرمایان و سرمایه داری، اقدام کنند. بدین ترتیب کارگران دارای یک سازمان طبقاتی (سندیکا یا اتحادیه) می شوند که در نقطه مقابل سرمایه داران توانایی مقابله و دفاع از زحمتکشانشان را دارد. یک چنین اتحادیه کارگری باید دارای سازمان توده ای و دموکراتیک باشد. بدین معنی که درهای آن باید به روی همه کارگران صرف نظر از تفاوت های نژادی، جنسی یا زبانی باز باشد و در عین حال همه ی اعضا در تدارک و

تصمیم گیری های گروهی مشارکت داشته باشند.

برای ایجاد یک تشکل کارگری فقط کافی است تا تعدادی از کارگران که نسبت به شرایط اجتماعی خویش آگاهی پیدا کرده اند، دور هم جمع شده و با نوع و تدبیر خود نسبت به آگاه کردن دیگر همکارانشان اقدام کنند. منظور از آگاهی یعنی پی بردن به جایگاه طبقاتی کارگران که در نقطه ی متضاد سرمایه داران قرار داشته و همواره از نظر اقتصادی و معنوی در حال استثمار کارگران هستند.

اما نکته ی مهم اینجاست که در صورت اقدام کارگران به تشکیل اتحادیه مستقل خود، سرمایه داران از خود چه واکنشی نشان می دهند؟ به طور حتم رژیم سرمایه داری که وجود سندیکاها و اتحادیه های کارگری را در تضاد آشکار با منافع خود می بینند از همه ابزار های سرکوب و تفرقه برای در هم شکستن اتحادیه های کارگری استفاده خواهد کرد. این مسئله مخصوصا در کشور ما، به دلیل عدم قبول نهاد های مدنی و آزادی های اجتماعی، صورت غضبناک تری به خود می گیرد. چه بسیار قوانینی که در جهت محدود کردن فعالیت های کارگری به تصویب رسیده و در آینده هم خواهد رسید و دست سرمایه داران را در جلوگیری از شکل گیری سازمان های کارگری باز خواهد گذاشت.

از این جهت لازم به نظر می رسد تا هر سندیکا و تشکل کارگری، مادام که از نظر کیفیت و کمیت فعالیت های خود به بلوغ کامل نرسیده، تا حد امکان از فعالیت های آشکار خودداری کند و در خفا به سازماندهی و جذب نیرو اقدام کند. بدین ترتیب از گزند توطئه های سرمایه داری هم در امان خواهد بود تا در موقعیت مناسب اعلام موجودیت کرده و خواسته های خود را رسماً اعلام کند.

کارگران ساختمانی: در حالیکه قیمت ساختمانهایی که به دست ما ساخته می شود، سر به آسمان میزند، ما کارگران ساختمانی از کمترین امکانات رفاهی، مسکن، کار، تامین اجتماعی و ... محروم هستیم.

برای رسیدن به این حقوق حقه خود در سندیکاها و اتحادیه های واقعی خودمان، متشکل شویم!

راه رهایی!

کاملاً روشن و آشکار است که هر جا کار و کارگر وجود دارد و در هر گوشه ای ساختن و تولید و افریدن و خلق کردن هست، سرمایه داری ریشه دوانیده و تارهای عنکبوت وار خودش را برای سود جویی و بهره کشی طبقه کارگر گسترانیده است. تا هر جا سود و سرمایه به پیش می تازد استثمار و مکیدن ارزش اضافی کارگر کماکان ادامه دارد. هنر و ماهیت سرمایه داری و سرمایه تا کارفرمای خرد همگی کارکشیدن از کارگر تا جای ممکن و بلعیدن ماحصل کار آنان بوده است.

بخشی از طبقه کارگر که میتوان گفت بخش گسترده ای از طبقه کارگر را شامل می شود کارگرانی هستند که در امر ساختمان به معنی کلی آن در حال فعالیت هستند. این بخش از کارگران در قسمتهای گوناگون از سد سازی و تونل سازی و معدن گرفته تا ساخت و ساز آسمانخراشها و برجها و جاده سازی و ساختن کوچکترین ساختمانهای مسکونی تا خدمات شهری مشغول کار طاقت فرسای شبانه روزی می باشند. کارگرانی که فولاد و آهن و بتن و خشت و گل ساخته دست خود را در هم می بافند و می تنند و دنیای پر از شکوه و جلال را به جامعه میبخشند. قدر مسلم اینست که کارگران ساختمان بی حقوق ترین و مظلومترین و در عین حال پر کار ترین کارگرانی هستند که در سختترین شرایط ممکن از ۱۲ ساعت تا ۱۶ ساعت بی وقفه کار میکنند... بیکار شدن ناگهانی و بی موقع این کارگران امری عادی برای آنها محسوب می شود و تیغ بیکاری دائماً آنان را تهدید می کند.

همیشه در طی فصول سال اکثر این کارگران بدلیل نبود قرارداد دائمی و روزمزد بودن و موقتی بودن کار آنها و یا اتمام پروژه ها به راحتی بیکار شده و تا پیدا کردن کاری دیگر با هزاران مشقت و مشکل روبرو می شوند و تازه برای مابقی حقشان که پرداخت نشده باید مدام به شرکتها و کارفرماها مراجعه کنند تا مزد خود را بگیرند و این فقط شامل خود کارگر نمی شود، بلکه دامنگیر خانواده های آنان میشود.

کارگرانی که در مراکز ساخت و ساز بناهای گوناگون مشغول بکارند اکثریت

قریب به اتفاق آنان نه تنها از هیچگونه حقوق و امتیاز ابتدایی برخوردار نیستند بلکه در بدترین شرایط محیط کاری کار می کنند. محیطهایی که به دلیل نبود امنیت جانی و ایمنی استاندارد کاری، مسکن مناسب و نبود بهداشت و بیمه و خدمات درمانی بطور مداوم در معرض خطرات جانی (پرت شدن از بلندی، سقوط مصالح گوناگون، شکسته شدن سر و دست و پا) و آلودگیهای محیطی دچار بیماریهای گوناگون از جمله تیفوس و گال و تماس با مواد خطرناک سمی و شیمیایی بسیار نا امن و غیر بهداشتی می باشد.

آمارهایی که از طرف ارگانهای دولتی در رابطه با کارگران ساختمانی ارائه میشود، همیشه خالی از واقعیت بوده و کماکان سعی می شود جامعه را از واقعتهای موجود دور نگه داشته و بر این واقعتهای سر پوش بگذارند. چندی پیش خود حکومت امار کشته شدگان کارگران ساختمانی در سال گذشته را قریب به ۲۵۰۰۰ کشته اعلام کرد. این در حالی است که کارگران مهاجر و بی شناسنامه و غیر قانونی که در حین کار دچار سانحه میشوند و جانشان را از دست می دهند، در این آمار جایی ندارند.

امروز اگر برای کارگر ایرانی کمترین امتیازی وجود ندارد، کمترین حقوقی وجود ندارد، همانند یک انسان با او رفتار نمی شود، به هویت انسانی بی احترامی می شود، خطاب کردن او به عنوان (عمله) خود بیانگر نوعی نگرش غیر واقعی به کارگر است. بیکار کردن و اخراج و بیرون انداختن او از محل کار خیلی سهل و ساده است. تو گوئی کارگران مهاجر غیر قانونی (افغانی و عراقی) با چه کوهی از معضلات و مشکلات مواجه هستند.

کارگران مهاجر، به خصوص افغانیها که تعدادشان در شهرهای بزرگ بسیار زیاد است از جمله کارگران مظلومی هستند که کاملاً در بی حقوقی صرف بسر می برند اما با کار طاقت فرسای شبانه روزیشان زندگی را به همین جامعه می بخشند.

وضعیت بخشی از کارگران روزمزد ساختمانی بسیار فاجعه آمیز و اسفبار است. این امر در تمامی شهرها و در شهر های بزرگتر از جمله پایتخت نمود

بیشتری دارد. در دور میدین و چهارراه ها هر کدام با ابزارهای کارشان گرد هم می آیند نیروی کارشان را در ملامت به حراج گذاشته و کار فرما صاحب کار با تفکیک خوب و بد و پیر و جوان و قویتر و ضعیفتر آنان را می خرد و به کار می گیرد و کارگر در آخر روز با دنیایی از خستگی تن و روح تنهاتکه نانی بچنگ آورده انهم فقط برای تجدید قوای فردا که دوباره بتوان بیرون بیاید و به انتظار موعودی دیگر بنشیند.

من کارگرم من از دل تاریخ آمده ام. گوش تاریخ از صدای تیشه من بیدار شد به هر جای دنیا پا بگذارید جای پای من را خواهید دید این من بودم که کاخ شاهان و صلاتین را برافراشتم اهرام مصر و دیوار چین را ساختم به دنیای پیرامونتان بنگرید هر آنچه از ان شماسست مال من است انرا از من به یغما برده اید من ان را از شما بازخواهم ستاند. هر کجا هستیم و باشیم همان کارگریم از کارگر بودن خود مفتخریم چرا چون سازنده ایم از هر قوم و قبیله ای باشیم یک هدف داریم و آن ساختن است.

دوستان کارگر من ایا فکر کرده اید راه برون رفتی وجود ندارد؟ ایا فکر کرده اید با دست روی دست گذاشتن چیزی عوض خواهد شد؟ نه هرگز! عوض نخواهد شد پس چرا متحد نشویم تا همانند زنجیر طنیده شویم مادامی که تصمیمی اتخاذ نشود تغییری صورت نخواهد گرفت. کارگر هم طبقه ای من تلاش برای آگاهی و شناخت خودمان و دنیای پیرامون و وضعیت طبقه کارگر و تغییر وضعیت کنونی کاری است که باید آگاهانه انرا شروع کرد.

تنها راه رهایی ما برای رسیدن به دنیای پر از کار و تلاش برای آبادانی و رفاه **شناخت خودمان** است. تنها با شناخت خود و هم طبقه ای هایمان و ماهیت سرمایه داری خواهیم توانست این دنیای وارونه را تغییر دهیم. دنیایی بسازیم که در ان کارگر به حقانیت خود برسد و کار تنها برای بدست آوردن نان فردا نباشد.

پس بیایید خود را آماده سازیم تا با هم طبقه ای هایمان بسوی **اتحادیه کارگران ساختمان** گامی موثر برداریم.

hambastegikargari@yahoo.com

در ستایش آموختن!

یادبگیر، ساده ترین چیزها را!
 برای آنان که بخواهند یاد بگیرند،
 هرگز دیر نیست.

الفبا را یاد بگیر! کافی نیست؛ اما
 آن را یاد بگیر! مگذار دلسردت کنند!
 دست به کار شو! تو همه چیز را باید
 بدانی.

رهبری را باید تو بگیری در دست
 ای آنکه در تبعیدی، یاد بگیر!
 ای آنکه در زندانی، یاد بگیر!
 ای زنی که در خانه نشسته ای، یاد
 بگیر!

ای انسان شصت ساله، یاد بگیر!
 رهبری را باید تو بگیری در دست
 ای دوست، از پرسیدن شرم مکن!
 مگذار که با زور، پذیره ات کنند.
 خود به دنبالش بگرد!

آنچه را که خود نیاموخته ای
 انگار کن که نمی دانی
 صورت حسابت را خودت جمع بزن!
 این تویی که باید پردازی اش.
 روی هر رقمی انگشت بگذار
 و بپرس: این، برای چیست؟
 رهبری را باید تو بگیری در دست

برتولت برشت

کارگران! نشریه همبستگی کارگری،
 فریاد کارگران آگاه برای اتحاد و
 مبارزه، تشکل مبارزات، بیان دردها
 و مشکلات کارگران، افشا کننده
 کثافات، حق کشی ها و بی عدالتی
 های سرمایه داران، نشان دهنده ی راه
 چاره ها و شیوه های نجات و ... می
 باشد. در مقابل دروغ پردازیها و عوام
 فریبهای روزنامه ها و رادیو
 تلویزیون سرمایه داران از نشریه خود
 حمایت کنید.

آنرا بخوانید و به دست دیگر کارگران
 برسانید.
 باید بدانیم که قدرت کارگران در
 آگاهی و تشکل است.

کارگران پیشرو و انقلابی!!!

نشریه همبستگی کارگری، از
 پیشروان و افراد متعهد به منافع و
 آینده طبقه ی کارگر دعوت می کند، تا
 در جهت آگاهی، متشکل کردن طبقه ی
 کارگر و رهایی از پراکندگی، تشکیل
 اتحادیه ها، سندیکاهای مخفی و
 سراسری به صفوف رزمنده ما
 بپیوندید.

تشویق، ترویج، آموزش، ایجاد آگاهی
 و سازماندهی مخفی برای ایجاد
 تشکلهای کارگری، از اهداف **'کمیته
 همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی
 کارگران ساختمان'** است. از هر
 طریق ممکن در جهت رسیدن به
 اهداف فوق مارا یاری کنید.

کارگران و رفقای انقلابی، مردم آزاده!!!

برای رسیدن به اهداف انقلابی کمک های مالی خود را از هر طریق
 ممکن به ما برسانید.